



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



رابطه دختر و پسر! | عطر رضا مستشاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما ۵۹ (روابطه دختر و پسر)

نویسنده:

علی رضا مستشاری

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
رهنما ۵۹ (روابطه دختر و پسر)	۷
مشخصات کتاب	۷
اشاره	۷
پرسش‌ها	۱۱
دیباجه	۱۲
فصل اول: نگاه برون دینی به روابط دختر و پسر	۱۵
مقدمه	۱۵
۱.۱. انگیزه‌ها و فایده‌هایی که جوانان در رابطه با جنس مخالف به دنبال آن هستند.	۱۷
۱. لذت بردن	۱۷
۲. عاطفی شدن روحیه	۱۹
۳. شناخت بیشتر، از جنس مخالف	۲۰
۴. آراستگی ظاهر	۲۱
۵. نظم	۲۲
۶. عادی شدن	۲۳
۲.۱. ضررهای رابطه با جنس مخالف	۲۵
۱. عاشق شدن	۲۵
۲. تقویت حرص و خواسته‌های جنسی	۳۱
۳. نارضایتی از همسر خود، در آینده	۳۲
۴. خطر به دام افتادگی	۳۶
۵. افزایش هزینه زندگی	۳۸
۳.۱. حاصل کلام	۳۹
فصل دوم: روابط دختر و پسر از نگاه درون دینی	۴۱
مقدمه	۴۱

۴۳ ۱.۲. نگاه به نامحرم

۴۷ ۲.۲. سخن گفتن با نامحرم

۴۹ ۳.۲. مطلق روابط اجتماعی با نامحرم

۵۵ درباره مرکز

سرشناسه : مستشاری، علیرضا، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : روابط دختر و پسر / نویسنده علی رضا مستشاری.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۰ص. ۱۱×۱۷س م.

فروست : رهنما؛ ۵۹.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۵۳-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : روابط زن و مرد

موضوع : روابط بین اشخاص

موضوع : جوانان -- جنبه های اخلاقی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : HQ۸۰۱/م۹۴۶ ۱۳۹۱

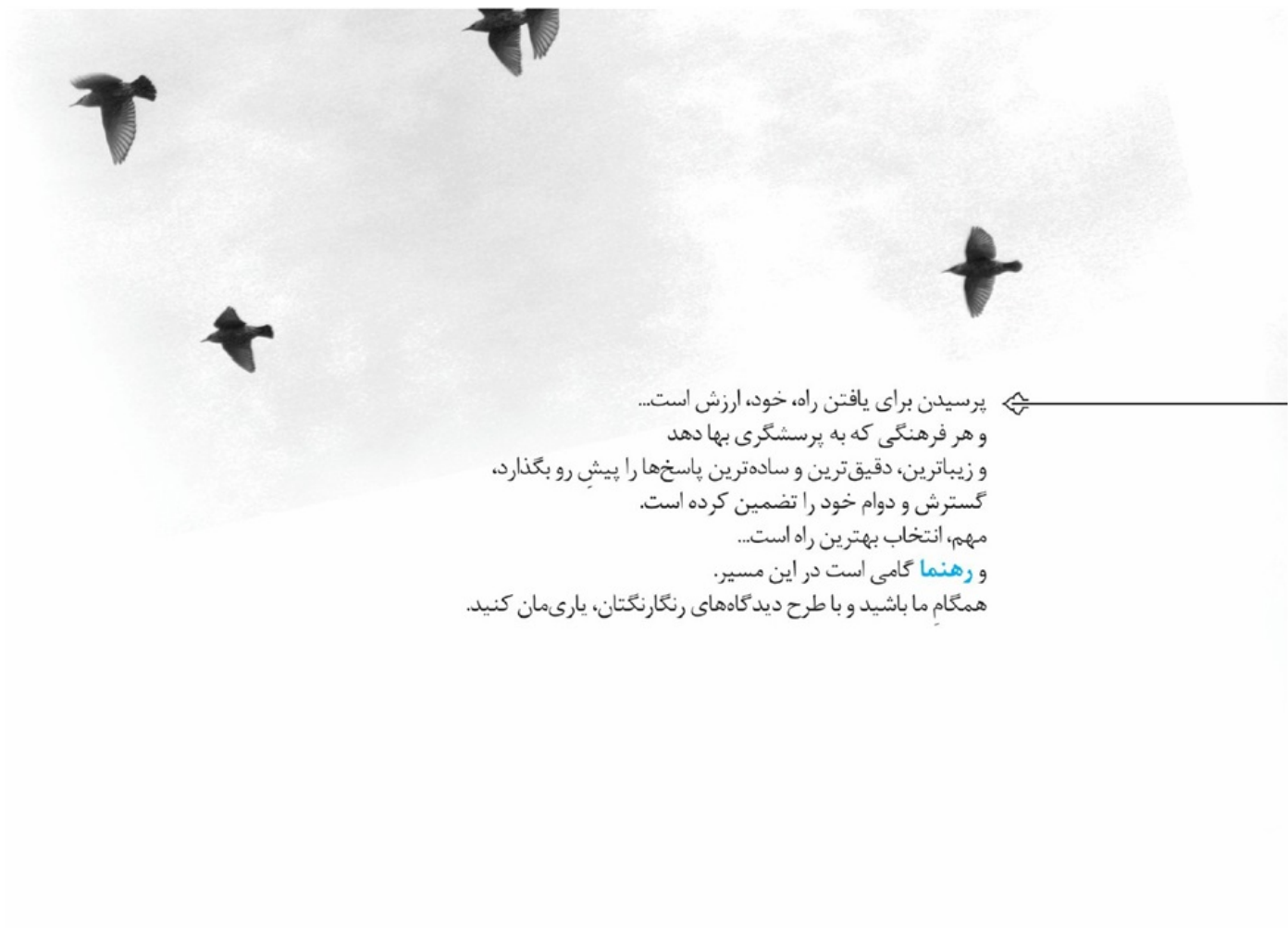
رده بندی دیویی : ۳۰۶/۸۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۸۳۹۵

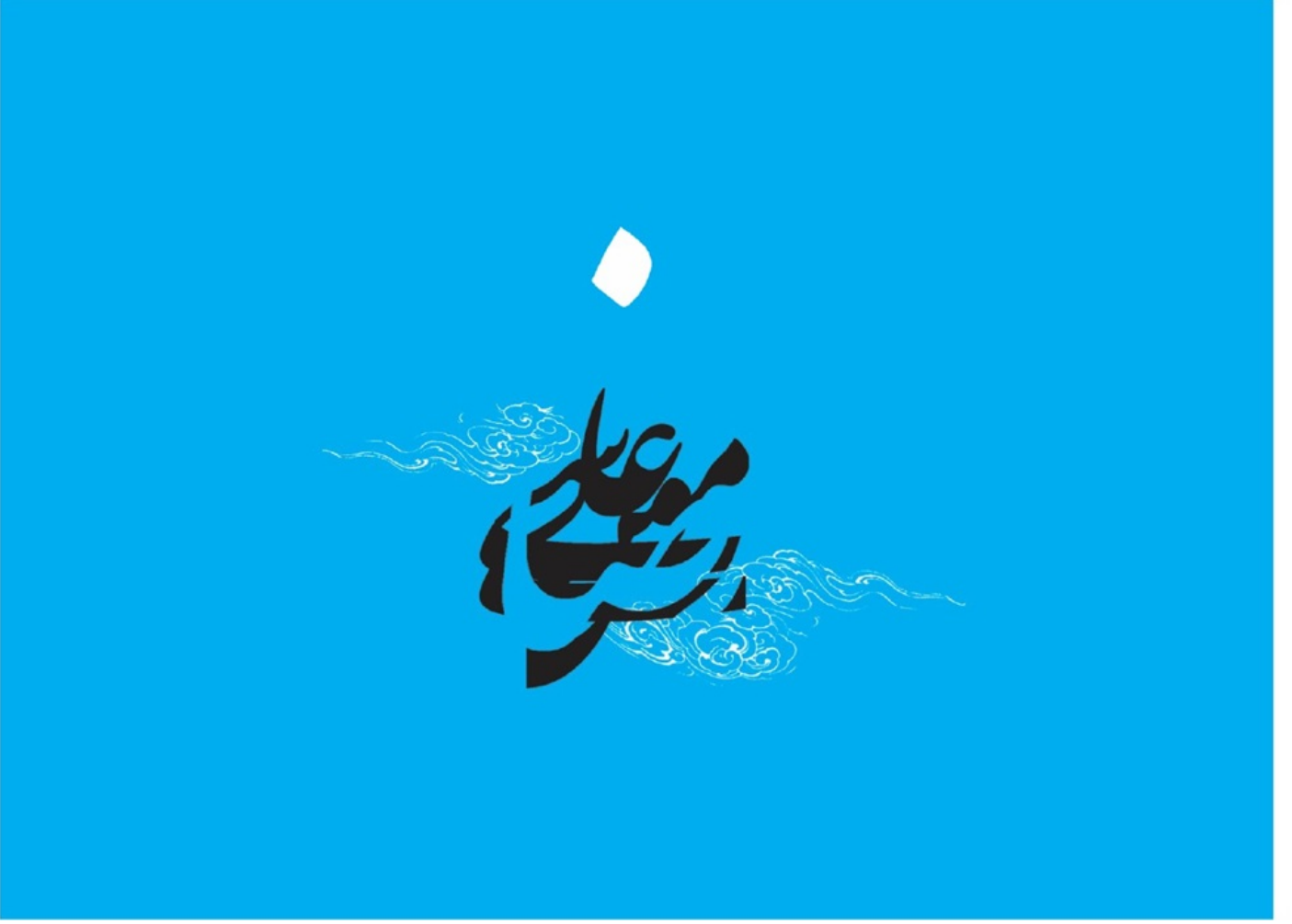
ص: ۱

اشاره





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



پرسش‌ها

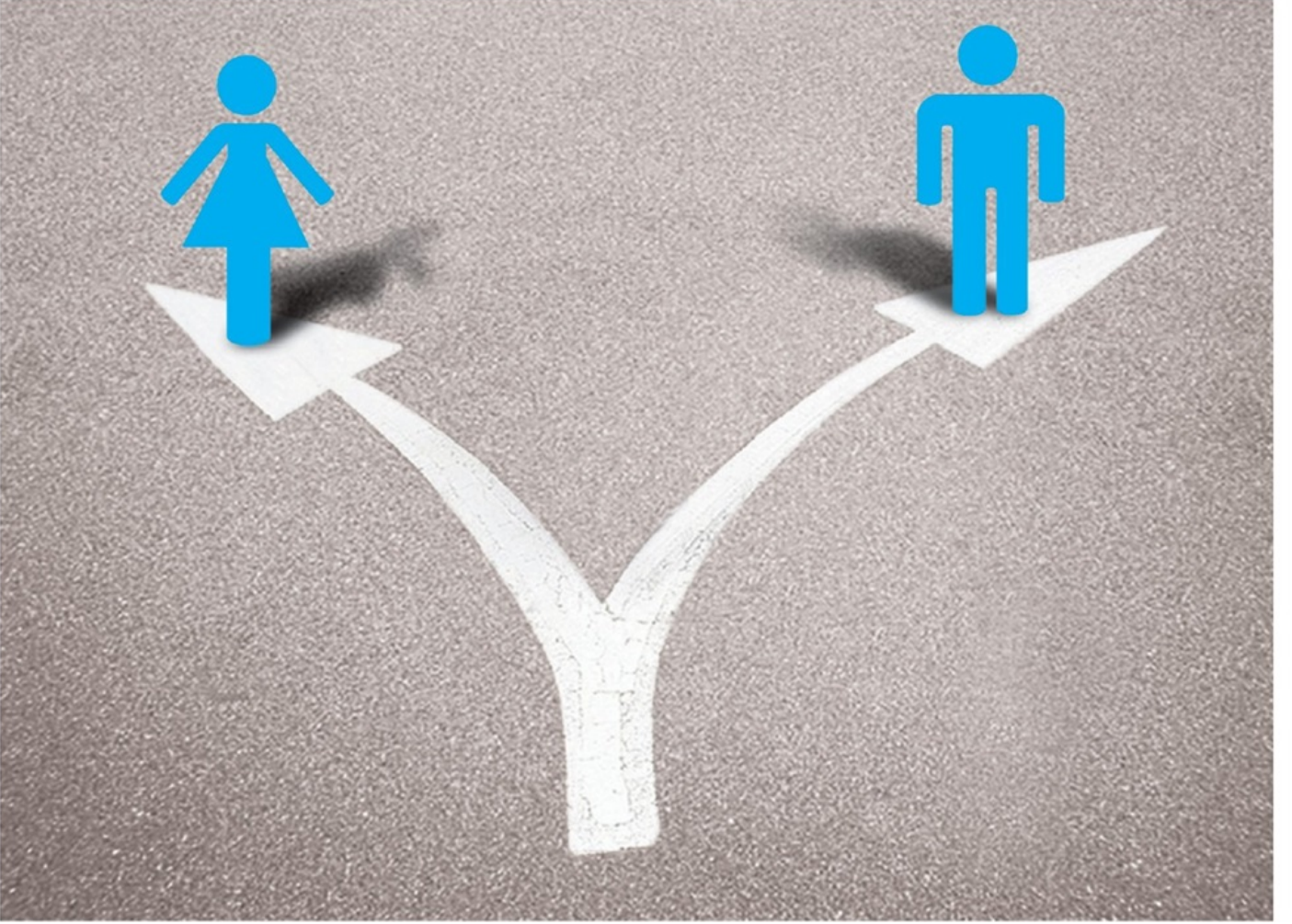
نوشتار پیش رو دغدغه‌های شما را در ضمن بررسی پرسش‌های زیر، پاسخ می‌گوید:

؟ از منظری برون‌دینی، در دوستی دختر و پسر چه فوایدی وجود دارد؟

؟ روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، این رابطه را دارای چه ضررهایی می‌دانند؟

؟ دین اسلام در باب رابطه با نامحرم، چه آموزه‌های بصیرت‌زایی مطرح کرده است؟

ص: ۵



بین دو جنس مرد و زن، کشش‌ها و جاذبه‌های فراوان و قدرتمندی وجود دارد. اگر این جاذبه‌ها نبود، در زندگی انسان، هیچ‌گاه کانون خانواده شکل نمی‌گرفت، هیچ مردی در شبانه‌روز برای آسایش و رضایت همسرش، در محیط‌های دشوار کاری، زحمت نمی‌کشید و زنان نیز به انجام دادن امور دشوار خانه و خانواده راضی نمی‌شدند.

اصولاً زندگی مشترک طولانی مدت بین دو انسانی که تربیت متفاوت و خصوصیات و سلیقه‌های مختلف دارند، چگونه ممکن است؟ اگر آن جاذبه معجزه آسا نبود، چه بسا نظام احسن جهان، دچار ازهم گسیختگی می‌شد و ایثار و عشق برای بشر که فرزند خاک است و از افلاک بی‌خبر، واژه‌ای کاملاً ناشناخته بود و گرمی از زندگی، رخت برمی‌بست. خلق این کشش، یکی از هنرهای خالق حکیم است.

در گذر تاریخ، همواره شاهد رفتارها و واکنش‌هایی یک سویه، همراه با افراط از طرفی

و تفریط از جانب دیگر، در مواجهه با این موضوع بوده ایم. بعضی با عینکی کاملاً سیاه بین و گروهی دیگر با دیدگاهی صددرصد موافق، به رابطه بین دختر و پسر نگریسته اند. در این نوشتار، از دو زاویه به این مسئله می پردازیم: نگاه برون دینی و نگاه دینی.

لازم است قبل از ذکر فایده ها و ضررهای دوستی دو جنس مخالف، مقصود خود را از موضوع مورد بحث نوشتار، بیان کنیم: مقصود از این دوستی، رابطه ای است که در آن، خود رابطه هدف است و مقدمه چیز دیگری نیست؛ یعنی دو طرف فقط می خواهند با هم دوست باشند و با هم معاشرت کنند. بنابراین، معاشرت های فامیلی، کاری، استاد و شاگردی، خواستگاری و نمونه هایی از این قبیل، از موضوع بحث ما خارج است. مراد از فایده نیز انگیزه هایی است که انسان را به این عمل سوق می دهد.

به امید آنکه جوانان عزیز را در انتخاب راه و روشی صحیح و متعادل، یاری رسانیم.

فصل اول: نگاه برون دینی به روابط دختر و پسر



در بحث برون دینی، از نظر روان شناختی و جامعه شناختی به این موضوع می پردازیم و از بیان دیدگاه دینی، خودداری می کنیم. بنابراین، اگر کسی معتقد به دین یا آیین خاصی هم نباشد، مشمول این موضوع خواهد بود. در دیدگاه برون دینی، رابطه و دوستی پسر و دختر، فواید و ضررهایی دارد که آن ها را بررسی می کنیم.

۱.۱. انگیزه ها و فایده هایی که جوانان در رابطه با جنس مخالف به دنبال آن هستند.

۱. لذت بردن

از آنجاکه در این رابطه، جنسیت طرفین، موضوعیت دارد و نگاه آن دو به هم، نگاه جنسیتی است و از نظر سن هم، دو طرف در اوج غریزه و نیاز قرار دارند، این گونه رفاقت ها، لذت فراوانی به همراه دارد. به همین علت است که اگر افراد، با هم جنس خودشان درباره موضوعی، نیم ساعت سخن بگویند و به نتیجه برسند، سخن گفتن با جنس مخالف درباره همان موضوع، گاهی تا دو

ساعت نیز به طول می انجامد و طرفین، احساس خستگی نمی کنند.

به راستی، چرا وقتی انسان رmq و حال پیاده رفتن مسیری را ندارد، اگر در این مسیر با رفیق غیرهم جنسش همراه می شود، به راحتی آن را می پیماید و احساس خستگی نمی کند؟ حتی گاهی دو طرف چندین بار آن مسیر را با یکدیگر طی می کنند و سپس برمی گردند و باوجود چند ساعت پیاده روی، هنوز احساس انرژی می کنند.

این، همان لذت و جاذبه ای است که در این معاشرت و دوستی وجود دارد. سخن گفتن، نگاه کردن و همه حرکات در این گونه معاشرت ها، رنگ و بویی خاص دارد و از مجموع آن ها، دو طرف، احساس لذت می کنند.

نمی خواهیم بگوییم که این لذت از نظر شرعی، چه حکمی دارد؛ زیرا همان گونه که گفتیم، ما از نگاه برون دینی به مسئله پرداخته ایم. این دوستی در برخی مراحل حرام است، اما نمی توان منکر اصل لذت آن بود. این لذت گاه به حدی می رسد که دو طرف را مدهوش و

از خود بی خود می کند و در عالمی رؤیایی فرو می برد.

نکته ای که می خواهیم بر آن تأکید کنیم این است که این لذت، کاملاً زودگذر و سطحی است و مانند موسیقی های پرهیجان و مفسده انگیز فقط در همان لحظات، انسان احساس خوشی در خود احساس می کند و روحیه شخص بعد از آن، دچار نوعی افسردگی و کسالت و ضعف اراده می شود؛ به طوری که در اثر تکرار این عمل، در عین حالی که در حال انجام دادن این کردار احساس لذت وجود دارد، بعد از آن ضعف و ناباوری و شکنندگی جانشین لذت می شود.

۲. عاطفی شدن روحیه

روحیه کسانی که با جنس مخالف ارتباط دارند، تا حدی لطیف می شود. به تعبیر دیگر، درهم آمیختگی روحیه زن و مرد، موجب می شود که هر کدام، از روحیه جنس مخالف متأثر شوند که نتیجه آن، نوعی مهربانی است.

ص: ۱۳

این شناخت با مطالعه نیز به دست می آید، ولی طرفداران این رابطه می گویند: کسی که از نزدیک با جنس مخالف ارتباط داشته باشد، بهتر می تواند روحیات او را درک و لمس کند. اینکه می گویند: مردان، مریخی اند و زنان، ونوسی و هریک خصوصیت ها و روحیات مخصوص به خود را دارند، از نزدیک درک می شود و دیگر نیازی به قضاوت از راه دور یا تن دادن به داوری های دیگران نیست.

البته هر جوان فرهیخته همیشه باید کم ضررترین و دقیق ترین راه را برای رسیدن به هدفی خاص انتخاب کند. برای شناخت جنس مخالف، راه ارتباط گرچه بدون واسطه و مستقیم است، قطعاً در اثر احساسات جاری عمق و دقت لازم را ندارد و ممکن است در آن، از بسیاری ملاک های لازم غفلت شود. در نتیجه، مطالعه کتاب های نگاشته شده در این موضوع و صحبت و مشورت با متخصصان علوم تربیتی و روان شناسی و استفاده از صحبت ها و تجربه های کسانی که

سنّ جوانی را پشت سر گذاشته اند و به منبعی از دانش و تجربه در این زمینه تبدیل شده اند، می تواند جانشین بهتری برای ارتباط مستقیم دو جنس مخالف برای شناختن یکدیگر باشد.

۴. آراستگی ظاهر

کسانی که در محیطی مختلط به فعالیت اجتماعی یا کاری یا درسی مشغول اند، بیشتر به زیبایی و پاکیزگی خویش اهمیت می دهند. در خوابگاه پسران، اغلب با افرادی با موی شانه نشده و لباس هایی ژولیده و نامرتب، مواجه می شوید. اگر همان افراد را در دانشکده ای مختلط مشاهده کنید، اوضاع، شکل دیگری دارد؛ شانه، ژل، ادکلن و واکس کفش ها، از او جوانی آراسته و مرتب ساخته است.

واضح است که این گونه آراستگی به دلیل خودنمایی و جلب توجه دیگران صورت گرفته است و نمی توان آن را یکی از خصلت های خوب آن جوان شمرد. در برخی مراحل، حتی ممکن است نشان دهنده شکل نگرفتن شخصیت یا نوعی ضعف شخصیت او باشد.

ص: ۱۵

در محیط هایی که خانم ها و آقایان همراه یکدیگر به فعالیت های مختلف مشغول اند و به نوعی با هم ارتباط دارند، در مقایسه با محیط های کاری مخصوص یک جنس، نظم بیشتری مشاهده می شود و اکثر افراد، بدون تأخیر و غیبت، بر سر کار خود حاضر می شوند؛ برای مثال، اگر برای کاری، مثل گرفتن جزوه درسی، با یکدیگر قرار بگذارند، حتماً سر ساعت و طبق قرار، حاضر می شوند؛ در حالی که اگر با هم جنس خود قرار داشته باشند، امکان تأخیر یا حتی فراموشی اصل مسئله وجود دارد.

ولی اصل این گونه نظم ها را نمی توان حُسن و تربیت نیکوی شخص به حساب آورد؛ زیرا فقط در مواقعی رخ می دهد که انگیزه های غریزی، گرچه ناخود آگاه، وجود داشته باشد.

این مسئله گرچه به طور مطلق و کلی پذیرفتنی نیست؛ به صورت نسبی می توان آن را پذیرفت. اشخاصی که به هیچ وجه با جنس مخالف ارتباطی نداشته اند، در صورت برخورد با جنس مخالف، ممکن است زودتر از دیگران وسوسه شده یا دچار فریفتگی و اشتباه شوند؛ مثلاً در محیطی که کاملاً مردانه است، با ورود یک خانم، بیشتر افراد، دست و پای خود را گم می کنند و نمی دانند چطور باید با او برخورد کنند. برعکس، وقتی مردی وارد محیطی زنانه می شود، واکنش و برخورد خانم ها، طبیعی نیست و دلیل آن نیز عادی نبودن این مسئله برای آنان است.

به همین جهت، در محیطی که خانم ها و آقایان با یکدیگر مشغول فعالیت و کارند، هرکدام از دو جنس به حضور افراد جنس دیگر عادت می کنند و تا حدی، عادی برخورد می کنند. البته حتی طرفداران این مسئله قبول دارند که بین دو جنس مخالف، هیچ گاه عادی سازی

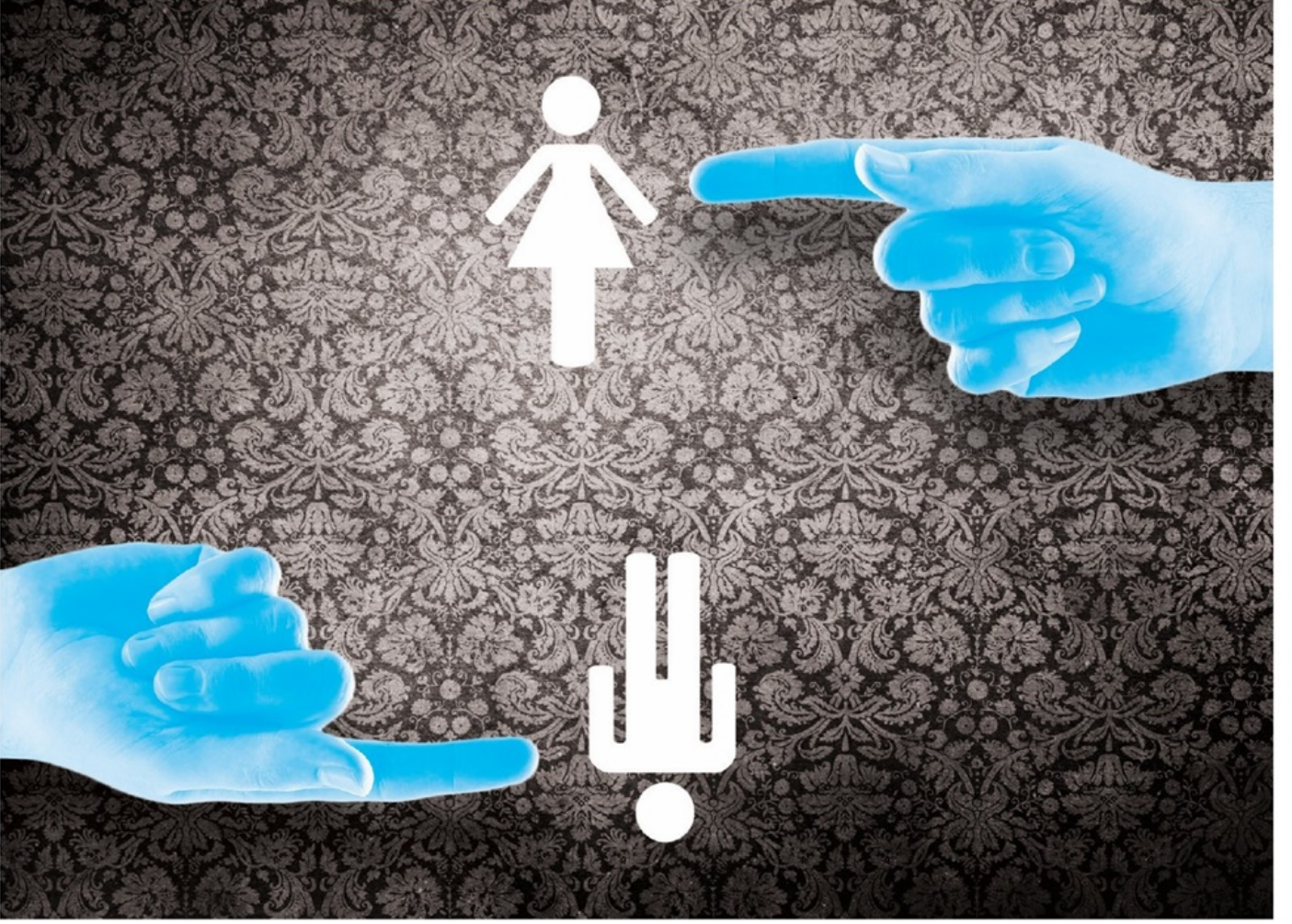
کامل صورت نمی گیرد و همان گونه که گفتیم، این امر، نسبی است. ممکن است تا حدی، رابطه بین دو جنس یا دو شخص خاص عادی شود، ولی همواره مواقعی پیش خواهد آمد که این گونه ارتباط ها برای طرف مقابل جاذبه خاص خود را دارد و احتمال می رود از مرز روابط سالم خارج شود.

ص: ۱۸

۱. عاشق شدن

نوع خلقت انسان، به ویژه در سن جوانی، به گونه ای است که جنس مخالف، برای او جاذبه دارد. اگر ارتباط پیوسته بین پسر و دختری برقرار باشد، بعد از مدتی به یکدیگر علاقه مند می شوند و اگر این ارتباط و دوستی ادامه یابد، از حدّ علاقه نیز می گذرد و آنان شیفته و عاشق یکدیگر می شوند؛ تا حدی که معایب یکدیگر را نمی بینند.

این عشق و علاقه، فقط به جهت ارتباط حاصل می شود و منشأ آن، غریزه جنسی بوده و به دور از ملاک ها و معیارهای منطقی و عقلایی و عرفی است. به همین جهت بود که آن را به عنوان ضرر مطرح کردیم. بیشتر جوانانی که این گونه عاشق می شوند، علاوه بر اینکه از جهت سن و شغل و موقعیت خانوادگی، آمادگی ازدواج ندارند، شناخت کاملی نیز از طرف مقابل و خانواده او ندارند.



عقل می گوید، این وابستگی به مصلحت نیست و تمام انرژی و نشاط جوان را می گیرد؛ به طوری که جوان از فعالیت های درسی و اجتماعی، بازمی ماند و مبتلا به نوعی افسردگی و کسالت می شود. درعین حال، دل، راضی به حکم عقل نیست و روزبه روز، مایل به روابط بیشتر و نزدیک تر است و به جای اینکه به عواقب آن توجه کند، در پی رسیدن به خواسته های نفسانی است و در اینجاست که تعارض عقل و دل رخ می دهد که از آن، به تعارض عقل و عشق نیز تعبیر می کنند. در این نوع علاقه و ارتباط، حتی گاهی احساس معنویت به جوان دست می دهد که ممکن است به جهت لطافت روح باشد؛ ولی نباید تردید داشت که حتی این احساس نیز منشأ غریزی و شهوانی دارد.

باید توجه کرد که در این بحث، درصدد نشان دادن تصویری مخرب از مطلق عشق نیستیم؛ بلکه این نوع از عشق را با این شرایط و در این سن، مضر می دانیم.

ممکن است شخصی بگوید که او با وجود برقراری ارتباط های پیوسته با جنس مخالف،

ص: ۲۱

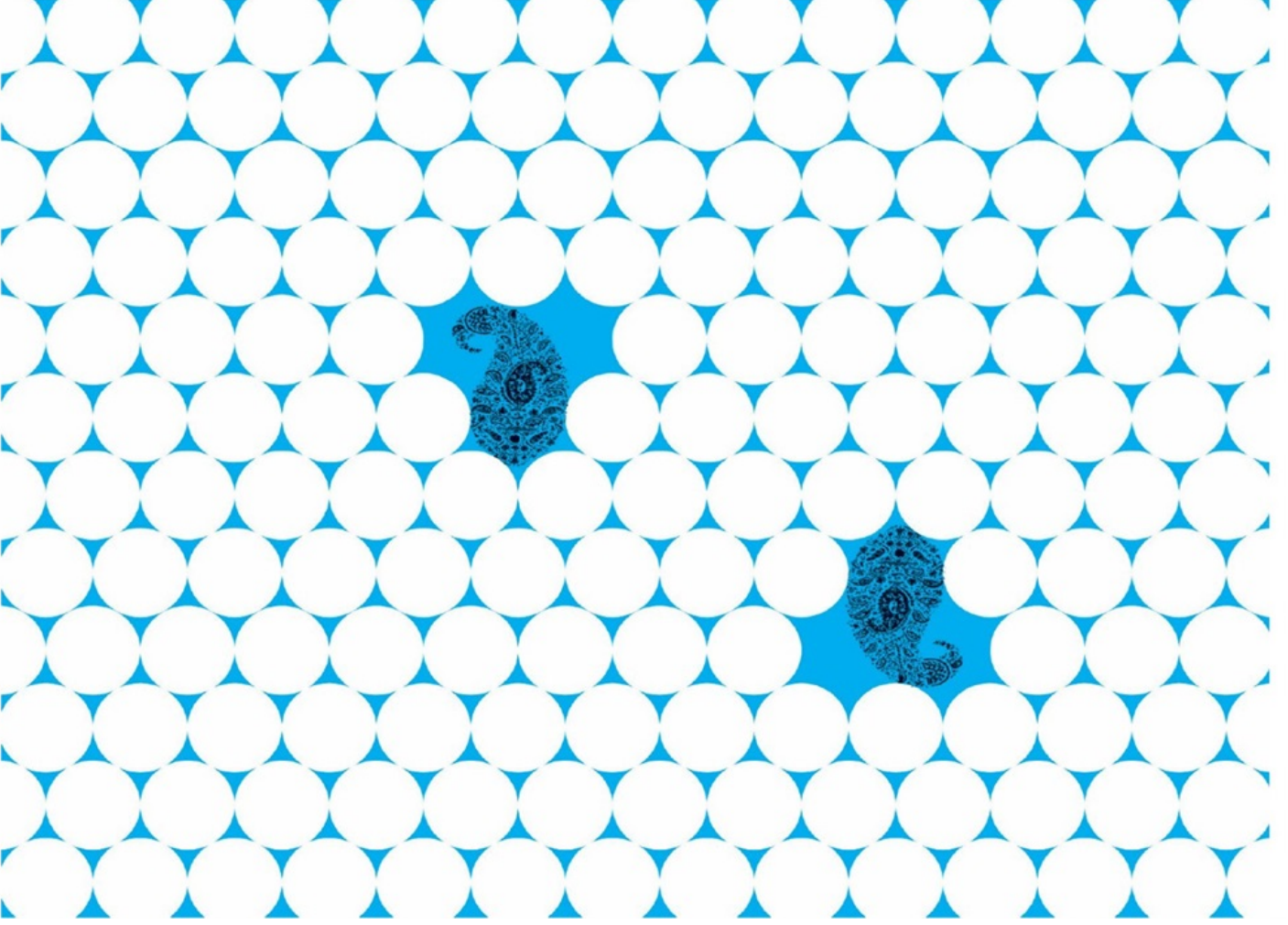
دچار این نوع عشق و تبعات آن نمی شود و دلیل ادعایش را عادی شدن مسئله برای خود بیان کند؛ اما نباید غافل شد که با وجود امکان عادی شدن این گونه روابط برای برخی اشخاص، باز هم آنان با فردی مواجه خواهند شد که ارتباط با وی برایشان عادی نیست و جاذبه و کششی جدید و عجیب در پی دارد. عادی شدن این مسئله، نسبی است و به صورت مطلق پذیرفتنی نیست. همواره کسانی خواهند بود که از دیگران ممتازند و در نظر انسان، جلوه های ویژه ای دارند.

بنابراین، کسی که به دنبال رابطه و دوستی با جنس مخالف باشد، به ویژه در سن نوجوانی و جوانی، به یقین دچار چنین آسیبی می شود. این مشکل، به حدی مهم است که روان شناسان از آن، با عنوان ناهنجاریِ روحی یاد می کنند که نوعی بیماری است. آنان معتقدند به جای واژه عشق و عاشقی، باید از تعبیر هوس و شهوت استفاده کرد.

این ناهنجاری، هوسی است که بر اثر ارتباطی کاملاً احساسی و ناشی از عواطف و غرایز دختر و پسر شکل گرفته است. نگاه دو طرف به یکدیگر، قطعاً نگاه جنسی است و هدف آن،

فقط خود رابطه است که بیشتر از طریق دیدارها و تماس های تلفنی مخفیانه صورت می پذیرد و با ضعف اراده، تشویش خاطر، نگرانی، افسردگی و غصه های طولانی مدت همراه است و جوان را از واقعیات زندگی دور می کند و به عالم تخیل و مستی فرو می برد. مسلّم است که انتظار نشاط، سرزندگی، ترقی در تحصیل و روابط اجتماعی فعال و مفید از این شخص، انتظاری بیهوده است و حتی خود او هم توقع دارد که دیگران به عنوان یک بیمار با او برخورد کنند.

جالب اینجاست که این همه علاقه و خماری پی در پی جوان، به سبب ارتباط با شخصی است که نه خانواده اش را به خوبی می شناسد و نه حتی خود او را؛ نه پسر و دختر با فرهنگ یکدیگر آشنا هستند و نه شروط کفوبودن و هم شأنی لحاظ شده است؛ خانواده ها نیز از این مسئله خبر ندارند. حتی اگر این مسائل هم نبود، باز موانع متعددی بر سر راه ازدواج آن ها وجود داشت و برای تبدیل این فراق به وصال، هیچ امکانی وجود نداشت. خود دختر و پسر نیز معترف به این امورند؛ ولی درواقع، در تعارض عقل و هوس که از آن به عقل و عشق تعبیر می کنند، سرگردان اند.



اگر در این امور تعقل کنیم، تصدیق می‌کنیم که این نوع عشق، ضرری است که آرامش روحی را به هم می‌زند. اینکه برخی می‌گویند: «ارتباط، باعث آرامش است»، صحیح نیست. این نوع عشق، مجازی نیست که پلی برای رسیدن به حقیقت باشد؛ بلکه تنها ثمره آن، دل‌مشغولی و از بین رفتن تمرکز هواس و حتی افت تحصیلی است و با عشق‌های حلال و عقلائی که اغلب از راه‌های متعارف و اخلاقی و شرعی حاصل می‌شود، کاملاً متفاوت است.

۲. تقویت حرص و خواسته‌های جنسی

در این گونه ارتباط‌ها، هر یک از دو طرف ابتدا به حداقل‌ها راضی و خشنودند و شاید هدفی جز نگاه کردن و سخن گفتن با یکدیگر ندارند؛ ولی هنگامی که رفاقت و معاشرت حاصل شد، دیگر به این حد قانع نیستند و خواهان ارتباط بیشتر می‌شوند؛ به شکلی که قدم به قدم، خواسته‌های دو طرف فزونی می‌یابد و آنان ارتباط پیشین را به هیچ وجه کافی و ارضاکننده

به حساب نمی آورند.

حال، این سؤال پیش می آید که تا کجا می توان این وضع را ادامه داد و تا چه اندازه مصلحت است که آثار مخرب آن را بر اعصاب تحمل کرد؟ خواسته های جنسی انسان، تمام شدنی و محدود نیست و شخص، هیچ گاه به منحصر کردن ارتباط با یک فرد، قناعت نمی کند و مایل به گسترش این گونه ارتباط ها با افراد گوناگون است. اگر کسی تصور کند که در این مسئله، سیر یا اشباع می شود، سخت در اشتباه است. با کنترل غریزه، می توان آن را از لجام گسیختگی رهانید و تا حدی آن را مهار کرد؛ ولی این غریزه، هیچ گاه ساکت و خاموش نمی شود.

۳. نارضایتی از همسر خود، در آینده

ارتباط های غیرمتعارفی که در چارچوب فرهنگ دینی و اجتماعی ما نباشند، از آنجا که در گذر زمان با افراد مختلف و به صورت های متعدد صورت می پذیرد، موجب می شود که

ص: ۲۶

شخص در زندگی آینده خود، دچار مشکل شده و زندگی اش سرد و عاری از نشاط شود. کانون خانواده که باید محلی امن برای آرامش زن و مرد و فرزندان دلبنده آنان باشد، ممکن است از هم فرو پاشد یا تبدیل به محیطی تلخ و تنش‌زا شود. زندگی کسانی که به اقتضای شغل خود، ارتباط‌های وسیع و صمیمی با جنس مخالف برقرار می‌کنند، مانند بازی‌گران و هنرپیشگان، شاهد این مدعا است.

دلیل این رویداد تلخ، چند مسئله است: اول اینکه جو بدبینی به همسر و به طور کلی جنس مخالف، در ذهن هر یک از طرفین شکل گرفته است. آنان گاه در ذهنشان خطوطی می‌کشند که مبادا همسر من نیز در گذشته یا زمان حال، دارای چنین ارتباط‌های مخفیانه‌ای باشد، یا با خود می‌گویند: «کسی که به این راحتی و بدون اطلاع خانواده و عزیزترین نزدیکان خود، با من طرح دوستی ریخت و به مسائل شرعی نیز تقیدی نداشت، شاید در دوران همسری نیز چنین کاری را با من انجام دهد!» رفته رفته، این گونه ذهنیت‌ها تبدیل به سوءظن‌های

گسترده ای می شود و سایه شوم آن بر زندگی می گسترد و باعث می شود خانه و زندگی به زندانی تحمل ناپذیر تبدیل شود. این در حالی است که خانه و خانواده باید کانون مهر و محبت و آرامش و گرمی باشد و هریک از زن و مرد، در سختی های طاق فرسای زندگی، به آن پناه آورند و دل گرمی شان به آن آشیانه باشد و به پشتوانه آن، درمقابل ناملایمات و دشواری ها، چون سرو ایستادگی کنند.

دلیل دوم این رویداد تلخ، ناتوانی این افراد در ابراز محبت خالص و صمیمی به همسر است. کسی که تابه حال به جهت ارتباط های خود با جنس مخالف، مجبور به بروز انواع محبت به افراد مختلف بوده است، درقبال همسر آینده خود، آن چنان عاجز است که همسرش به راحتی، تصنعی بودن ابراز محبت او را درک می کند. این مسئله، درست عکس تصور برخی افراد است که معتقدند این ارتباط ها نوعی آموزش برای دوران زناشویی شان است؛ زیرا محبت و ابراز آن، بیش از آنکه وابسته به تکنیک های رنگارنگ باشد، مربوط به دل و قلب و عمق وجود

انسان هاست. محبت، هنگامی که از دل برمی خیزد، بر دل می نشیند و کسی که دل او خانهٔ افراد دیگری شده و مدت ها مشغول هوا و هوس های غیرموجه بوده است، چگونه می تواند به گونه ای عشق بورزد که انگار تابه حال به کسی چنین علاقه ای نداشته است؟ نوع خلقت انسان اجازهٔ این گونه بازیگری را به او نمی دهد.

ادعای یادگیری و آموزش ابراز محبت، درست مانند ادعای عادی شدن این گونه روابط یا مثل ادعای شناخت جنس مخالف، ادعایی غیرواقعی است. شناخت واقعی افراد در این مواقع، چگونه ممکن است؟ درحالی که تمام تلاش دو طرف در این گونه روابط، بر مخفی کردن واقعیات اخلاق و کردار خویش استوار است. آنان، حقیقتِ خُلق و خوی خویش را وارونه جلوه می دهند؛ به گونه ای که به طور کلی، چهرهٔ واقعی آنان در پشت ظاهرسازی ها و نمایش های مختلف، گم می شود.

علم و تجربه به ما می گوید اگر کسی به این گونه روابط عادت کرد، نه تنها این مسئله برایش عادی نمی شود، بلکه او به این مسئله عادت می کند. ترک این عادت بسیار مشکل است

و هیچ همسری در آینده، تحمل آن را نخواهد داشت.

۴. خطر به دام افتادگی

یکی دیگر از ضررهای روابط دختر و پسر، خطر به دام افتادن در نقشه های شوم شیادان و بی رحمانی است که آبرو و عفت افراد را هدف گرفته اند. نمی خواهیم بگوییم که در همه ارتباط ها، این اتفاق خواهد افتاد؛ ولی احتمال آن در همه ارتباط ها وجود دارد.

اگر دختر بداند که این شخص عضو گروه های فاسد، فریب کار و شبکه های قاچاق زنان و دختران است، هرگز با او دوست نمی شود. در همه این گروه ها و باندها، طرح دوستی به شکلی طبیعی و درقالبی محبت آمیز و فریبنده صورت می گیرد؛ به طوری که سرانجام، جوان ساده، سر از خانه های تیمی و محیط های خطرناک درمی آورد و آنجا مکانی است که برای فرار از آن راهی وجود ندارد. در آنجاست که همه سراب ها به یک باره خشک می شود و به جهنمی سوزان، تبدیل. این جهنم بیش از آنکه گوشت و پوست دختر جوان

ص: ۳۰

را بسوزاند، دل او را می سوزاند؛ دلی که با ساده اندیشی، تصور می کرد علاقه مند شخصی باوفا و بامحبت شده است که دارای همه خوبی هاست و اگر فراق آنان تبدیل به وصال شود، حتماً خوشبختی تمام عیار رخ نشان می دهد. زهی تأسف و اندوه که همه بافته ها، رشته شده و برای بازگشت و جبران راهی نمانده است.

این مسئله، مخصوص دختران نیست: پسران جوان و بی تجربه نیز در بسیاری از مواقع، گرفتار چنین دام هایی می شوند. آنان با بی توجهی و بدون قصد ازدواج، به ورطه ای گام می نهند که آن را سرشار از لذت و سرمستی می بینند؛ ولی بعد از مدتی، موقعیتی پیش می آید که دختر ناچار است بگوید: «اگر با من ازدواج نکنی، آبرویت را می برم و همه چیز را فاش خواهم کرد.» در این وضعیت، معمولاً پسرها چاره ای جز تن دادن به ازدواج ندارند؛ ازدواجی که از سر ترس و زبونی است و ازدواجی که در آن، طرف مقابل، هیچ یک از ملاک های همسری شایسته را ندارد. از این واقعه با عنوان «به دام افتادگی» پسران تعبیر می کنیم که تازه، خوش بینانه ترین

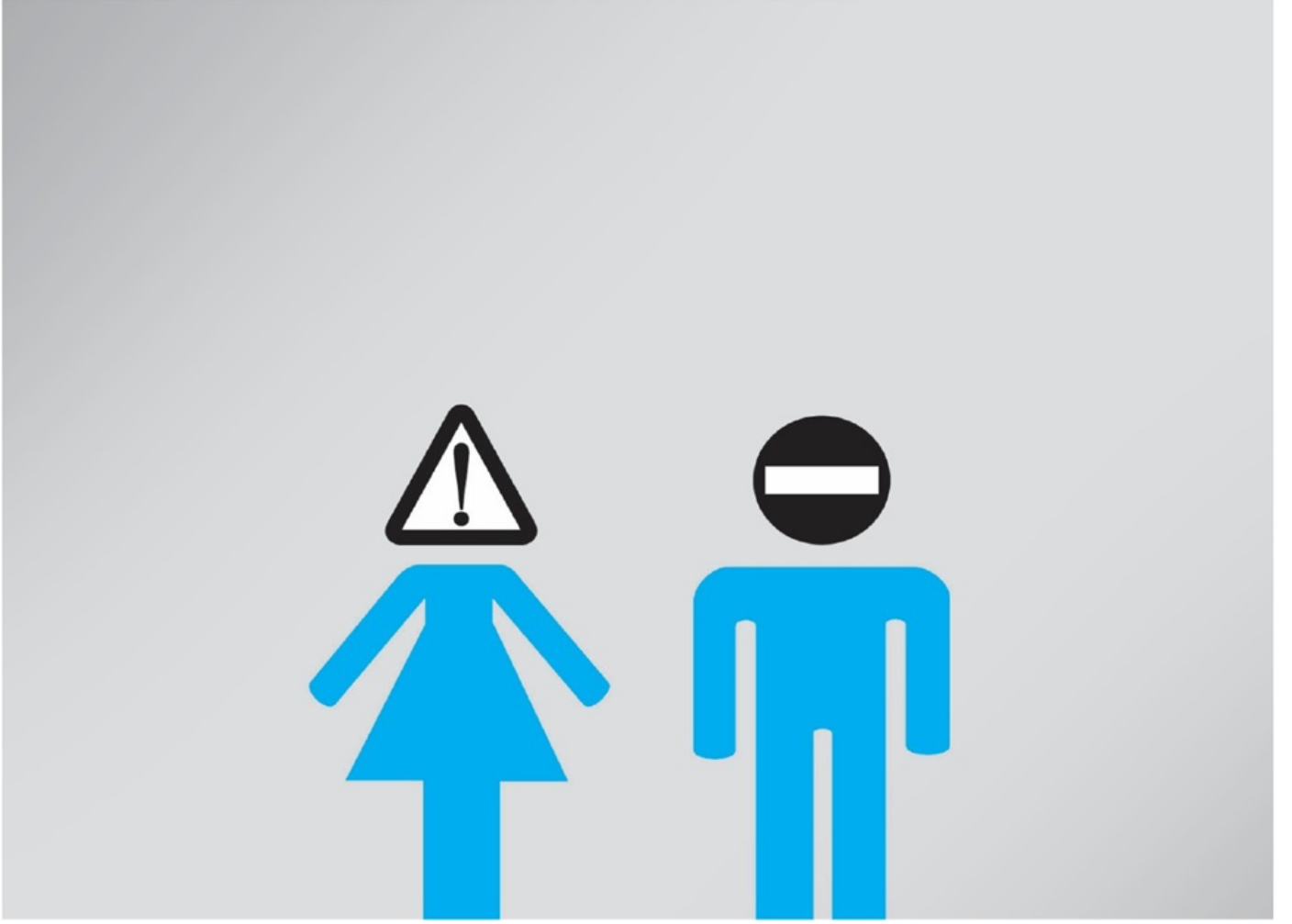
فرض تصورپذیر برای به دام افتادن آنان است! زیرا فرضی است که در آن، دوست دختر آنان عضو باندهای منحرف و خطرناک و نیز مبتلا به بیماری های جنسی نیست و فقط به انگیزه حفظ منافع و آبروی خود، پسر را در تنگنا قرار می دهد. در غیراین صورت، مسئله صورت های دیگری نیز پیدا خواهد کرد.

۵. افزایش هزینه زندگی

این مسئله گرچه اهمیتِ ضررهای گذشته را ندارد، ذکر آن نیز خالی از لطف نیست؛ زیرا برای پسر و دختری که دانشجوی و محصل اند و درآمد خاصی ندارند، خریدن هدیه های جشن تولد، رفتن به برخی تفریح گاه ها، پرداخت قبض های تلفن همراه و دیگر هزینه ها، نوعی فشار روحی است که رفته رفته موجب ازبین رفتن عزت نفس و خودباوری و نشاط روحی آنان می شود. اگر آنان چنین ارتباطی نداشتند، می توانستند به لباس ساده تر و زندگی کم هزینه تری اکتفا کنند.

ص: ۳۲

ما تاکنون از نظر روان شناسی و جامعه شناختی، فواید و ضررهای رابطه دختر و پسر را بیان کردیم. اکنون، قضاوت را به جوانان واگذار می کنیم. بر هر جوان عاقل و طالب کمال، لازم است این فواید و ضررها را با یکدیگر مقایسه کند و هر راهی را که بهتر و مفیدتر یافت، آن را برگزیند.



فصل دوم: روابط دختر و پسر از نگاه درون دینی

رابطه چه به معنای نگاه کردن باشد و چه به معنای حرف زدن دختر و پسر با یکدیگر و چه به معنای دیگر معاشرت های اجتماعی، حکم آن در قرآن کریم و روایات معصومان بیان شده است.

قبل از بیان این حکم، لازم است بدانیم که مسئله دوستی دختر و پسر، برخلاف تصور برخی افراد که گمان می کنند این موضوع محصول زمانه فعلی ماست، از دیرزمان با همین عنوان، مطرح بوده است. قرآن شریف در وصف مردان شایسته و به عنوان یکی از ملاک های مهم برای گزینش شوهر آینده، به بانوان سفارش می کند که مردانی مناسب، همسری اند که پنهانی و به صورت نامشروع، با زنان دوستی و رابطه ندارند: «وَلَا تُتَّخِذِي أَوْلِيًّا» (= کسانی که

دوست دختر اختیار نکرده اند.)^(۱) همچنین به مردان سفارش می‌کند که زنانی شایسته همسری اند که به صورت پنهانی، با مردان رابطه دوستی نداشته باشند: «وَلَا تُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (= کسانی که دوست پسر اختیار نکرده اند.)^(۲) بنابراین، زمانی که ارتباطات، ماهواره، اینترنت، انواع تلفن‌ها، پیامک‌ها و محیط‌های کار و تحصیل مختلط وجود نداشت، باز هم این مسئله موضوعیت داشته است و محلّ ابتلای انسان‌ها، به ویژه جوانان بوده است و این، حاکی از کشش و جاذبه‌ای فوق‌العاده قوی بین دو جنس مرد و زن است.

به همین جهت، اسلام علاوه بر بیان حکم این موضوع، توصیه‌های خردمندانه و مفیدی نیز در این باره ارائه کرده است.

۱.۲. نگاه به نامحرم

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (= ای پیامبر، به مردان مؤمن بگو

ص: ۳۷

۱- . مائده، ۵.

۲- . نسا، ۲۵.



درمقابل زنان، غَضَّ بصر داشته باشند.)^(۱) یعنی نگاه خویش را از تیزی بیندازند و به نامحرم خیره نشوند و به تعبیر علامه شهید مرتضی مطهری، نگاه خریدارانه به زنان نداشته باشند. همچنین به زنان چنین توصیه می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (=ای پیامبر، به زنان مؤمن بگو که آن ها نیز در قبال مردان، غَضَّ بصر داشته باشند.)^(۲) خداوند حکیم، به مطلق چشم بستن امر نمی فرماید؛ بلکه آنچه حائز اهمیت است، خیره نگاه نکردن و خودداری از نگاه های وسوسه انگیز و مسموم است که از آن، به چشم چرانی تعبیر می شود.

پیامبر اکرم می فرمایند: «النظر الی محاسن النساء سهم من سهام ابلیس فمن ترکه اذاقه الله طعم عباده تیره» (= نگاه وسوسه آلود به زیبایی زنان، تیری از تیرهای شیطان است. پس اگر کسی آن را ترک

ص: ۳۹

۱- . نور، ۳۰.

۲- . نور، ۳۱.

کند، خداوند طعم بندگی را به او می چشاند تا دلشاد شود. (۱)

جالب این است که خالق بشر، بعد از اعلام وجوب کنترل نگاه و حفظ قوه شهوت، در آیه ۳۰ سوره نور می فرماید: «ذَلِكْ اَزْكَى لَهْم» (= این کنترل، برای انسان ها پاکیزه تر است). پاکیزگی مطلق که در این آیه شریف ذکر شده است، شامل طهارت روح، صلابت در عمل و سلامت فکر از هر گونه اضطراب و سوءظن و تشویش خاطر و عمل ناپسند است. در واقع، راهکار پیشگیری از ابتلا به ضررهای ذکر شده را خداوند عزوجل، در یک کلمه بیان می فرماید و آن، کنترل نگاه است. اگر از همان ابتدا چشم انسان از نگاه های مسموم حفظ شود، مشکلات، یکی پس از دیگری پیش نخواهند آمد.

ص: ۴۰

۱- . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶.

۲.۲. سخن گفتن با نامحرم

سخن گفتن زن و مرد با یکدیگر، آزاد است؛ تا هنگامی که مفسده ای برای طرفین نداشته باشد. این مفسده، همان طور که ممکن است از محتوای سخن حاصل شود، مثل اینکه سخنان آنان غیرمتعارف و وسوسه انگیز باشد، ممکن است از کیفیت سخن نیز حاصل شود؛ یعنی با کرشمه و ناز سخن بگویند.

قرآن خطاب به زنان می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (= زنان هنگام سخن گفتن با نامحرم، نباید صدای خود را نازک کنند [که کنایه از ناز و عشوه است]؛ زیرا کسانی که در قلبشان وسوسه و مرض روحی وجود دارد، به طمع می افتند.)^(۱)

ص: ۴۱



در آیات ۲۳ تا ۲۸ سوره قصص، خداوند داستان حضرت موسی و دختران شعیب را چنین نقل می فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْتَعِينُكَ حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ. فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا...» (= و آنگاه که موسی بر سر آب مدین رسید، گروهی از مردم را دید که گوسفندان خود را آب می دهند و در نزدیکی آنان، دو زن را یافت که دوری می گزینند. به آن دو گفت: کارتان چیست و چه می کنید؟ گفتند: روش ما این است که گوسفندان را آب نمی دهیم تا چوپانان از آبشخور درآیند و گوسفندان خود را از آن خارج سازند. پدربان پیری سال خورده است و خود، نمی تواند گوسفندانمان را به اینجا آورد. آنگاه موسی، گوسفندانشان را آب داد. سپس از آبشخور به سوی سایه رفت و گفت: پروردگارا، من به هر خیری که به سویم بفرستی، سخت نیازمندم. سپس یکی از آن دو زن

درحالی که با نهایت حیا و عفت گام برمی داشت، نزد موسی آمد و به وی گفت: پدرم تو را فرا می خواند تا مزد آب دادنت به گوسفندان را به تو بپردازد. موسی نزد شعیب رفت. او از حال و کارش پرسید و هنگامی که وی داستان خود را حکایت کرد، شعیب گفت: هراسی به خود راه مده که از دسترس آن مردم ستم پیشه، دور شده ای و نجات یافته ای. (۱)

این آیات، راه های روابط سالم را بیان می کند که عبارت اند از:

۱. رابطه نباید برای صرفِ رابطه و لذت غریزی باشد؛ بلکه اگر به اقتضای فعالیت اجتماعی

و عملی جائز باشد، اشکال ندارد: [فَسَقَى لَهُمَا]؛

۲. نگاه به نامحرم باید به دور از هوا و هوس باشد: «وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْتُقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ» در این آیه، برای دیدن مردم و دختران، از واژه وَجَدَ استفاده می کند؛ یعنی همان طور که

ص: ۴۴

مردم را دید، آنان را نیز دید و دیدن آنان، چشم چرانی نبود؛ بلکه «مواجه شدن» بود؛

۳. زنان در فعالیت اجتماعی، نباید با مردان مختلط شوند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ] و [وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ»؛

۴. سخن گفتن با نامحرم، اشکال ندارد؛ ولی در سخن گفتن، دو طرف باید مراعات اختصار و متانت را بکنند: «قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ»؛

۵. فعالیت اجتماعی زنان اشکال ندارد؛ اما تا حدّ امکان باید کارهای مردانه و زنانه را از یکدیگر تفکیک کرد؛ مگر در مواقع ضروری: «وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»؛

۶. مکان ارتباط، نباید خلوت و خصوصی باشد: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدِينٍ»؛

۷. زنان در هنگام حضور در منظر نامحرم، باید با کمال حیا حاضر شوند و پوشش و نوع راه رفتن و برخوردها، نباید جلب توجه کند: «تَمْشِي عَلَيَّ اسْتِحْيَاءً»؛

۸. طرفین، ارتباط را از خانواده خویش مخفی نکنند و سعی کنند آنان از این گونه مسائل

مطلع شوند. حتی پدر می تواند محرم این گونه امور باشد: «قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ»؛

۹. اگر جوانی نیازمند تشکیل خانواده و ازدواج است، به جای روابط ناسالم و گناه، بر خدا توکل کند و رابطه خویش را با او نزدیک کند: «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ».

۱۰. انسان از رابطه ای که هیچ گونه امکان ازدواج در آن نیست، باید پرهیز کند؛ زیرا هیچ گاه نمی تواند آن را تحت چارچوب های ارزشی شرع و عرف درآورد: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي».

نکته اینجاست که اگر کسی لأبالی بود و به هرزگی پرداخت و راه های روابط سالم را رعایت نکرد، باید بداند که یکی از سنت های خداوند در عالم وجود، سنت مقابله به مثل است: امام صادق می فرمایند: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَكُتُرَ خَيْرَ أَهْلِ بَيْتِكَ فَأَيَّاكَ وَالزَّانَا، كَمَا تُدِينُ تُدَانُ» (= اگر می خواهی که به خانواده ات خیر فراوان برسد، از روابط نامشروع پرهیز کن؛ زیرا همان گونه که عمل می کنید، با شما عمل می شود).^(۱)

ص: ۴۶

۱- . شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷۰.

خداوند مهربان است؛ ولی به احکام خویش، غیور می باشد و کسانی را که به عمد احکام او را سبک بشمرند و به آن ها بی توجه باشند، در سرای آخرت مورد خشم و غضب خویش قرار می دهد و آنان در دنیا نیز زندگی شیرین و خوبی نخواهند داشت. به فرموده قرآن کریم: «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (= کسی که از یاد من دوری کند، به درستی که زندگی وی، تلخ و سخت خواهد بود). (۱) کسی که حلال و حرام های خداوند را رعایت نکند و بنابه خواست و هوای نفسانی خود، هر کاری را بخواهد، انجام دهد، خالق حکیم نیز او را به سختی می اندازد و در گرداب های مهیب و دشوار، وی را به حال خود واگذار می کند و با دلی ناآرام، تنهایش می گذارد.

یکی از سختی های دنیا، برای جوانی که ارتباط های غیرشرعی دارد، احساس گناه است. این احساس در پود وجود او تنیده می شود و او را به عذاب وجدان مبتلا می سازد؛ تا حدی که از

ص: ۴۷

لذت های زودگذر روابط، چیزی جز تلخی و افسردگی و بی نشاطی برایش باقی نمی ماند. به همین جهت، وقتی یوسف همه این ضررها و رنج ها را در یک کفه ترازوی عقل خود گذاشت و لذت و خوش گذرانی زودگذر غیرشرعی را در کفه دیگر، آن یکی را به حدی سنگین تر دید که هیچ میلی به گناه پیدا نکرد. درمقابل، زلیخا هنر استفاده از عقل و این ترازوی الهی را نداشت.

آری، زندگی با این همه فرازونشیب و مشکلات، فقط در صورتی شیرین و تحمل پذیر است که آدمی دارای پشتوانه ای محکم و مطمئن باشد. کسی که بر خداوند عزوجل توکل کند و از گناه دوری گزیند، خالق حکیم و مهربان که صاحب قدرت مطلق است، هیچ گاه وی را تنها نمی گذارد و مُزد کسی را که به خاطر او، غرایز خود را کنترل می کند، حتماً خواهد داد. خداوند در اداره نظام جهان، سنت هایی دارد و یکی از آن سنت ها، توجه خاص به کسانی است که با وی معامله می کنند و لذت های حرام را ترک و به خاطر او، حریم احکام الهی را رعایت می کنند. خداوند برای این گونه افراد به بهترین وجه، جبران می کند: دستیابی به همسری خوب و شایسته و فرزندان صالح در دنیا، یکی از این پاداش ها است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

